خودکشی گروگانگیر بعد از قتل گروگان

شرور مسلح که دامادخانواده‌شان راگروگان گرفته بود، زمانی که در محاصره پلیس قرارگرفت، گروگان را کشت و خودکشـــی کرد. به گزارش خبرنگار جام‌جم، چند روز پیش در اجرای حکم قضایی مبنی بر دســـتگیری یك شرورمسلح و متهم سابقه دار، پلیس بوشـــهرمخفیگاه وی را در یکی از روســـتاهای شهرستان دشتستان شناسایی کرد. بامداد یکشنبه دهم آذر امســـال تیم عملیاتی پلیس به آنجا اعزام شد و مخفیگاه متهم را محاصره کردند. آنها با اخطار به متهم از او خواستند تسلیم پلیس شود. متهم که به ســـلاح گرم و مقدار زیادی مهمات مسلح بود، ماموران را تهدید کرد در صورتی که راه فرار باز نشود شـــروع به تیراندازی می‌کند. در ادامه مرد مسلح به سمت ماموران تیراندازی کرد. او صدها تیر به اطراف شلیك کرد. ماموران هم به سمت مرد مسلح تیراندازی کردند. باکشته‌شدن گروگانگیر، نیروهای پلیس وارد مخفیگاه وی شدند و بررسی‌های اولیه بر این فرض است که گروگانگیر پس از کشتن گروگانش اقدام به خودکشی کرده است.

اصلا هم خنده نداشت!

دادستان فردیس جزئیات ماجرای کودک‌آزاری در این شهر و نحوه دستگیری متهمان را در گفت‌وگو با جام جم تشریح کرده است اصلا هم خنده نداشت!

محمد غمخوار

حوادث

دو پسر که با انداختن کودك کار در سطل زباله، از او فیلمبرداری کرده بودند در عملیات بامدادی دادستانی فردیس شناسایی و دستگیر شدند. متهمان مدعی شدند، صفحه اینستاگرامشان بعد از انتشار این فیلم هك شد و نتوانستند آن را حذف کنند.

پسرك در سطل در حال جست‌وجو میان زباله‌هاست. بی‌خبر از این‌که قرار است سوژه تفریح و فیلمبرداری دو پسر شرور شود. پسر جوان به او نزدیك می‌شود و پاهای پسرك را می‌گیرد و او را داخل سطل مکانیزه کنار خیابان پرت می‌کند. بعد از آن، خنده مرد کودك‌آزار و دوستش که فیلمبردار است، فضا را پر می‌کند. پسرك گیج و مبهوت بدون این‌که قدرتی برای دفاع از خود داشته باشد از داخل سطل بیرون می‌آید و نظاره‌گر خنده‌های دو پسر جوان است. خنده‌هایی که بعد از دو روز یادآوری، قلبش را به درد می‌آورد.

این روایت فیلم ۱۴ ثانیه‌ای است که روز یکشنبه در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد و روایتگر صحنه‌ای تلخ از یك کودك‌آزاری بود. کاربران شبکه‌های اجتماعی بلافاصله به این فیلم واکنش نشان دادند و خواستار برخورد با دو مرد کودك‌آزار شدند.

اولین واکنش

رئیس سازمان بهزیستی کشور اولین نفری بود که به این موضوع واکنش نشان داد و گفت: متاسفانه این ویدئوی ناراحت‌کننده را بنده هم دیدم و بلافاصله دستور پیگیری دادم و تاکید کردم بررسی شود که این ویدئو چه زمانی رخ داده و مربوط به کدام شهر است تا ما بتوانیم از این طریق و با پیگیری‌های قضایی با عاملان این اقدام برخورد کنیم. اگر مشخص شود انتشار این فیلم به قصد آزار این فرد بوده حتما با سازندگان فیلم نیز برخورد خواهد شد.

این فیلم در حالی در کانال تلگرامی و صفحات اینستاگرامی منتشر می‌شد که کسی از محل آن خبر نداشت تا این‌که دادستان استان البرز از شناسایی دو مرد کودك‌آزار خبر داد و مشخص شد، ماجرا در یکی از شهرهای استان البرز اتفاق افتاده است.

کودك‌آزاران تسلیم شدند

واکنش‌ها به این فیلم ادامه داشت تا این‌که صبح دوشنبه - دیروز - سخنگوی ناجا از تسلیم شدن متهمان خبر داد و گفت: با توجه به تشویش اذهان عمومی و نیز بر اساس دستور فرمانده نیروی انتظامی، پیگیری این موضوع در دستور کار پلیس قرار گرفت.

سردار نوریان افزود: با توجه به تحقیقات گسترده پلیسی و نیز انتشار گسترده این کلیپ در فضای مجازی و بازخوردهای منفی به این عمل قبیح، خاطیان این پرونده که عرصه را بر خود تنگ دیدند، خود را به نیروهای امنیتی تسلیم کردند.

صفر تا صد ماجرا

حسن جهانشاهلو، دادستان عمومی و انقلاب فردیس بعد از این‌که مشخص شد این اتفاق در این شهر رخ داده است، پای کار آمد و با کمك اطلاعات مردمی، دو مرد کودك‌آزار را شناسایی و بازداشت کرد.

جهانشاهلو در تشریح ۹ ساعت تحقیقات فشرده برای شناسایی متهمان به جام‌جم گفت: ظهر فیلم را دیدم و با کمك اطلاعات مردمی متوجه شدم ماجرا ظهر یکشنبه در منطقه اهری فردیس رخ داده است. این فیلم باعث شد موجی از ناراحتی و اعتراض مردمی از این عمل ایجاد شود که به عنوان مدعی‌العموم به ماجرا ورود پیدا کردم.

در حالی که پلیس اعلام کرده بود دو متهم خود را تسلیم کرده‌اند دادستان فردیس درخصوص عملیات دستگیری آنها اظهار کرد: ساعت ۱۰ شب خانه متهم اصلی را شناسایی کردیم و به آنجا رفتیم و همراه ماموران حفاظت اطلاعات دادگستری خانه اش را زیر نظر گرفتیم. متهم با یك دستگاه پژو ۲۰۶ به خانه آمد و ساعت ۲ نیمه شب با کمك ماموران سپاه آنها را دستگیر کردیم. با اعتراف او، همدستش هم دستگیر شد. یکی از متهمان سابقه دار است و پیش از این به خاطر شرارت دستگیر شده بود.

وی خاطر نشان کرد: متهمان پس از اعتراف به جرم خود با قرار قانونی روانه زندان شدند و به بهزیستی دستور دادیم که کودك کار را شناسایی کند.

داشتم سکته می‌کردم

پسر جوان تصور نمی‌کرد یك شوخی و انتشار فیلمش او را به دردسر بیندازد و دو روز بعد روانه زندان شود. می‌گوید از انتشار فیلم پشیمان شده، اما نتوانسته آن را پاك کند.

چه شد به فکر آزار کودك کار افتادید؟

همین طوری بود و قصد شوخی داشتیم. نمی‌خواستم آبروی او برود. پایش را گرفتیم و بعد داخل سطل انداختیم. سطل خالی بود و می‌دانستیم اتفاقی برای او نمی‌افتد.

این کار ارزش چند لحظه خندیدن را داشت؟

مشکل اینجاست که همه این چند ثانیه فیلم را دیدند و پشت صحنه آن را ندیدند. بعد از این ۱۴ ثانیه او را از داخل سطل بیرون آوردیم و به او ساندویچ دادیم. حتی فیلم را خودش هم دید و خندید.

فیلم را چرا در فضای مجازی پخش کردید؟

ما پخش نکردیم. فیلم را روی صفحه اینستاگرام گذاشتیم و بعد یکی از دوستانمان آن را دانلود کرد و برای «داوود هزینه» فرستاد. او وقتی فیلم را روی صفحه‌اش گذاشت مردم متوجه ماجرا شدند.

می‌دانستی انتشار این فیلم باعث ناراحتی کاربران فضای مجازی شده است؟

خودم از همه بیشتر ناراحت شدم. ما نمی‌خواستیم این فیلم پخش شود. باور کنید خودم وقتی فهمیدم فیلم همه جا پخش شده داشتم سکته می‌کردم. حتی خودم هم گریه کردم.

اگر کسی همین کار را با خودت انجام می‌داد، چه واکنشی داشتی؟

من هم یك کارگر هستم و همه فکر می‌کنند بچه پولدارم که برای خوشگذرانی این کار را کردم. قبول دارم که اشتباه کردم، اما قصد ما بازی با آبروی این پسر بچه نبودم. اگر کسی همین کار را با من می‌کرد خیلی ناراحت می‌شدم.

اگر پشیمان بودی چرا فیلم را از صفحه اینستاگرامت پاك نکردی؟

خواستم این کار را کنم، اما پیجم هك شده بود. باور ندارید خودتان چك کنید.

حرف آخر؟

از همه مردم ایران عذرخواهی می‌کنم و امیدوارم مرا ببخشند.

متهم:
وقتی فیلم در فضای مجازی پخش شد و خودم آن را دیدم، ناراحت شده و به حال پسربچه گریه کردم

افشاگری‌های فضای مجازی

فضای مجازی در کنار آسیب‌هایش، گاهی نقش افشاگری در برابر جرایم را دارد و حوادثی تلخ در روستایی دورافتاده را سریع به موضوعی ملی تبدیل می‌کند. در چند سال اخیر با پرونده‌های حیوان آزاری، تجاوز، کودك‌آزاری و ضرب و شتم دانش‌آموزان با انتشار فیلم‌هایی در فضای مجازی خبرساز شده و مجرمان را پای میز محاکمه کشاند.

یکی از پرونده‌هایی که در فضای مجازی جنجالی شد مربوط به معاون مدرسه‌ای در غرب تهران بود. ابتدا فیلمی از اولیای دانش‌آموزان منتشر شد که در سالن اجتماعات نسبت به آزار فرزندانشان از سوی معاون مدرسه شکایت داشتند. این فیلم سریع در شبکه‌های اجتماعی منتشر و متهم آن دستگیر و سریع محاکمه شد.

فیلم کشتار خرس و توله‌اش در سمیرم نیز سال‌ها قبل میان دارندگان گوشی‌های بلوتوث‌دار دست به دست می‌شد و انتشار گسترده آن باعث شد متهمان خیلی زود شناسایی و دستگیر شوند.

انتشار ماجرای ربودن کودکان مانند بنیتا، آتنا، نهال و پرنیا باعث شد ناپدید شدن آنها خبرساز شود. تعدادی از این کودکان با حساسیت‌های ایجاد شده زنده به خانه برگشتند و برای تعدادی از کودکان مانند بنیتا سرنوشت تلخی رقم خورد.

قتل مادرخوانده بعد از مصرف گل

پسر ۲۳ ساله بعد از مصرف گل، مادرخوانده‌اش را با چاقو کشت. متهم مدعی بود صدایی دستور این جنایت را به او داده است.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ساعت یك و ۳۰ دقیقه بامداد یکشنبه دهم آذر امسال بازپرس مرادی، کشیك قتل دادسرای جنایی تهران از طریق کلانتری سلیمانیه از قتل زن ۵۱ ساله‌ای باخبر شد. او با تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی به طبقه چهارم خانه‌ای در خیابان دهم فروردین تهران رفت و جسد را در بالکن کشف کردند که با ۱۱ ضربه چاقو به شکم و گردنش به قتل رسیده بود. لکه‌های خون از آشپزخانه تا بالکن دیده می‌شد. شوهر مقتول در تحقیقات گفت قاتل پسرخوانده ۲۳ ساله‌اش به نام شهروز است. او را از دو سالگی از شیرخوارگاه به خانه‌شان آوردند و بچه‌شان شد، برایش شناسنامه گرفته و او به دانشگاه رفت.

قاتل فراری ۱۲ ساعت بعد از کشف جسد هنگام تردد در حوالی محله محلاتی بازداشت شد و گفت: فوق‌دیپلم نقشه‌کشی صنعتی دارم. ابتدا پوشاك می‌فروختم، بعد پدرم برایم مغازه فروش موبایل و مشاوره املاك راه‌اندازی کرد. از دو سال پیش در یك مهمانی معتاد به گل شدم. هر هفته با پرداخت ۵۵ هزار تومان به دوستم، یك غنچه ماده گل خریده و مصرف می‌کردم. پدر کلید مغازه را گرفت و بیکارشدم. مادرم به خاطر بیکاری و اعتیادم با من درگیری داشت. می‌گفت ترك کن تا ازدواج کنی. بعد از ظهر شنبه دوباره با مادرم درگیر شدم. بعد از آن صدایی به من می‌گفت مادرت را بکش. من هم به آن دستور عمل کردم و با چاقویی که دو سال قبل آن را خریده و همراهم بود از پشت سر به مادرم ضربه‌هایی زدم و او را کشتم. بعد از بازداشتم تازه فهمیدم مقتول مادر واقعی‌ام نبود.

جزئیات جدید از انتقال پس ایلامی به افغانستان در گفت‌وگو با پدرعموی حامد

پسرم می‌خواست به مشهد برود

فاطمه شیخ‌علیزاده

حوادث

جوان ناشنوای اهل ایلام، در راه سفر به مشهد توسط پلیس دستگیر شد و چون نتوانست اطلاعات درستی از خود در اختیار ماموران قرار دهد او را همراه اتباع افغان راهی شهر هرات کردند. مقامات قضایی و خانواده این جوان درصدد بازگرداندن او به کشور هستند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ۲۸ آبان امسال حامد ۱۸ ساله از محل زندگی‌شان غیبش زد و خانواده‌اش برای یافتن او از پلیس و اقوام کمك گرفتند.

کامل آس، پدر حامد در گفت‌وگو با جام‌جم گفت: «پسرم ناشنواست و یك موتور هوندای قرمزرنگ داشت و خیلی وقت‌ها با آن در شهر دوری می‌زد و برمی‌گشت. آن روز هم حامد از خانه خارج شد اما وقتی غیبتش طولانی شد، ما فکر کردیم با موتور به داخل سد یا دره افتاده است. ما ساکن بخش مهر شهرستان ملکشاهی ایلام هستیم و به کمك برادرانم تمام ایلام و همه پارکینگ‌های موتور را گشتیم، اما خبری از حامد نبود. روزهایی که دنبالش بودیم، به علت قطع اینترنت، نامش در سایت پلیس ثبت نشده بود. چند روز بعد پلیس به ما خبر داد که ماموران در خرم‌آباد به حامد مشکوك شده و او را دستگیر کرده‌اند. پلیس خرم‌آباد گفت وقتی حامد را دستگیر کردیم گمان کردیم اتباع افغان است. با ایما و اشاره به ما فهماند که گوشی‌اش را دزدیده‌اند.

لابد برای همین هم نتوانسته به ما زنگ بزند و خبر دهد که دستگیر شده است. ماموران می‌گفتند، تصور می‌شده حامد خودش را به کر و لالی زده است. برای همین او را به اردوگاه اتباع خارجی در ابراهیم‌آباد اراك منتقل کرده بودند. از آنجا هم راهی قم و سپس مشهد شده بود. بعد هم او را از مرز افغانستان وارد شهر هرات کرده‌اند.»

عموی حامد در ادامه حرف‌های پدر او گفت: «چند وقت قبل او در خانه برادرم عکس حرم امام رضا(ع) را دیده بود و به ما می‌گفت به پدرش بگوییم به او پول بدهد تا به مشهد برود. برادرم دامدار عشایر است و تمکن مالی ندارد. حامد صبح آن روز به مادرش گفته بود خودم با موتور به مشهد می‌روم اما مادر و پدرش فکر نمی‌کردند این حرف را جدی زده باشد. حالا یکی از برادرانم همراه پسرش به هرات رفته‌اند و با تعدادی از افرادی که در راه افغانستان با حامد دوست شده بودند، آشنا شده‌اند. دوستان حامد گفته‌اند که حامد نمی‌توانست حرفش را بفهماند و هرچه آنها می‌گفتند فقط سر تکان می‌داد. آنها فکر کرده‌اند حامد اهل کابل است و او را به کابل فرستاده‌اند. حالا خانواده ما در حال سفر به کابل هستند تا حامد را پیدا کنند. امروز صلیب سرخ عکسی از حامد در اختیار برادرم قرار داده و کمی خیالمان راحت شد که او سالم است. امیدواریم به‌زودی پیدایش کنیم.»

عکسی که صلیب سرخ از افغانستان برای خانواده حامد ارسال کرده است

قاتل عاشق‌پیشه پای میز محاکمه

مرد جوان بعد از طلاق همسرش، وقتی نتوانست او را راضی به آشتی کند، روی او اسلحه کشید و با شلیك سه گلوله همسرش را از پای درآورد. متهم روز گذشته در دادگاه کیفری یك استان به اتهام خود اعتراف کرد.

به گزارش جام‌جم، ساعت ۱۱ شب نهم فروردین امسال صدای شکسته شدن شیشه و بعد از آن شلیك گلوله و جیغ فرزند پنج ساله آرزو، سکوت یکی از محله‌های پاکدشت را شکست. همسایه‌ها خیلی سریع خودشان را به کوچه رساندند و با جسد غرق در خون زن جوان که پشت فرمان ماشینش جان خود را از دست داده بود، روبه‌رو شدند. رسیدگی به قتل زن جوان در دستور کار پلیس قرار گرفت و مادر آرزو به پلیس گفت: «دو سال قبل آرزو از همسر اولش جدا شد و با مردی به نام رضا ازدواج کرد اما از او هم جدا شد. رضا یك بار به من گفت که اگر دخترت طلاق بگیرد او را می‌کشم.»

با اطلاعاتی که مادر آرزو در اختیار ماموران قرار داد، تنها مظنون پرونده تحت تعقیب قرار گرفت و در تبریز در حالی که قصد خروج از کشور را داشت، دستگیر شد و به اتهام خود اعتراف کرد و گفت: «آرزو از من جدا شده بود و من به بهانه عید نوروز با گل و شیرینی سراغش رفتم تا آشتی کنیم، اما او راضی نشد و من با تبر شیشه ماشینش را شکستم و بعد او را با شلیك گلوله‌ای از پای درآوردم.»

متهم روز گذشته در دادگاه کیفری در دفاع از خود گفت: «اتهامم را قبول دارم. من مامور پلیس بودم و اسلحه را نه میلیون تومان قاچاقی خریدم. عاشق آرزو بودم و می‌خواستم کنارم بماند. حالا هم تنها تقاضای من این است که زودتر قصاصم کنید.»

تلنگر

محاکمه مرد شکاك به اتهام ۳ جنایت

مرد جوان که به خاطر سوءظن دو زن و مرد جوانی را کشته بود، در دادگاه مدعی شد قربانیان مهدورالدم بودند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از تیرماه سال ۹۰ و به دنبال گزارش سه جنایت در محله کمالشهر کرج در دستور کار پلیس قرار گرفت. تیم جنایی با حضور در محل قتل، با جسد زن میانسال، دختر جوانش و پسر جوانی روبه‌رو شدند که با ضربه‌های چاقو به قتل رسیده بودند.

مردی هم چاقو به دست در محل حضور داشت که به عنوان عامل این جنایت بازداشت شد. متهم در تحقیقات گفت: مقتولان، همسرم، مادرزنم و خواستگار خواهرزنم بودند. من به رابطه همسرم و مرد جوان مشکوك بودم و فکر می‌کردم مادرزنم هم از این رابطه خبر دارد. امروز به اینجا آمدم و هر سه نفر را کشتم.

با تکمیل تحقیقات، پرونده برای محاکمه به دادگاه کیفری یك استان البرز ارسال شد و متهم در شعبه یکم دادگاه کیفری به ریاست قاضی قیومی و با حضور قاضی رنجبر محاکمه شد.

در ابتدای جلسه دهقان، نماینده دادستان کرج کیفرخواست متهم را خواند و اولیای دم مجازات قاتل را درخواست کردند.

سپس مرد جوان در جایگاه قرار گرفت و در دفاع از خود گفت: من و همسرم در ابتدا رابطه خوبی با هم داشتیم اما ناگهان رابطه‌اش با من سرد شد. بعد هم متوجه رابطه خوب او با خواستگار خواهرزنم شدم. روز حادثه آنها در خانه مادرزنم بودند و با اعتقاد به مهدورالدم بودن، آنها را کشتم.

پس از دفاعیات متهم و وکیل مدافعش قضات دادگاه برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.

مرد همسرکش در دادگاه بخشیده شد

مرد میانسال که با پرت کردن همسرش به داخل چاه، او را کشته بود با گذشت فرزندانش به حبس محکوم شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، هفدهم فروردین امسال، مرد میانسالی با مراجعه به کلانتری باقرآباد به قتل همسرش اعتراف کرد و گفت او را در چاهی عمیق حوالی قرچك ورامین انداخته است. به دنبال ادعای متهم، جسد زن کشف شد و متهم در اولین تحقیقات به ماموران پلیس گفت: بعد از این‌که بازنشسته شدم، اختلافات من و همسرم خیلی زیاد شد. او به من می‌گفت سختگیر هستم. دو بار طلاق گرفته و دوباره رجوع کرده بودیم. اما باز اختلاف داشتیم. شب حادثه باز دعوایمان شد. او لب پنجره رفت که خودش را پایین بیندازد و پسر کوچکم مانع او شد. آن شب خیلی عصبانی شده بودم و وقتی همسرم می‌خواست از خانه بیرون برود، جلوی او را گرفتم و در را قفل کردم و مانعش شدم. صبح روز بعد به بهانه این‌که می‌خواهم طلاقش بدهم، او را به یك بیابان در حوالی قرچك بردم و به داخل یك چاه پرت کردم.

با اعترافات متهم، پرونده برای رسیدگی راهی دادگاه کیفری شد. این در حالی بود که دو فرزند پسر متهم قبل از جلسه دادگاه از قصاص پدرشان اعلام گذشت کرده بودند، اما دو دختر او به قصاص اصرار داشتند، اما آنها نیز در جلسه دادگاه اعلام گذشت کردند. متهم دیروز در دفاع از خود گفت: از این‌که همسرم حرف خودکشی می‌زد خیلی عصبانی بودم و وقتی بالا سر چاه رفتیم گفتم اگر می‌خواهی خودکشی کنی، خودت را داخل چاه بینداز. او هم لجبازی کرد و گفت خودت من را پرت کن. من در یك لحظه از شدت عصبانیت او را هل دادم و بعد پشیمان شدم.

دادگاه پس از این جلسه متهم را به تحمل سه سال حبس محکوم کرد.

کشف جسد مرد ایرانی در استانبول

پلیس استانبول جسد یك شهروند ایرانی را در خانه‌ای در محله آکسارای کشف کرد.

به گزارش فارس، پلیس استانبول در پی دریافت گزارشی از همسایگان ساختمانی که متوجه انتشار بوی بد از خانه‌ای در محله آکسارای شده بودند برای بررسی ماجرا در آنجا حاضر شدند. آنها با ورود به این خانه با جسد مرد ایرانی به نام سعید عبدالخراب‌آباد روبه‌رو شدند. تحقیقات پلیسی حاکی از این بود که حدود یك ماه بود که همسایه‌ها وی را ندیده‌اند.